

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد سخنان ایشان در نماز جمعه

نظام عبرت

آیت الله جناب آقای شیخ محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

جنابعالی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه ۲۴ تیر ماه جاری مطالبی در انتقاد از انتقادکنندگان بیان داشتید و ایراد به کسانی گرفتید که در مسأله نظام جمهوری اسلامی ایران مصلحت اندیشی نمی‌کنند و تشخیص «الاهم فالاهم» را نمی‌دهند.

این مطلب به گمان بسیاری از شنوندگان آن خطبه ارتباط با نود نفر امضا کنندگان نامه مورخ اردیبهشت ماه ۶۹ به مقام ریاست جمهوری که تعدادی از آنان از نهضت آزادی هستند، داشت. قسمت دیگری از اشاراتتان نیز می‌تواند پاسخ اعتراضها و تذکراتی بوده باشد که از سوی عده قابل توجهی از ایرانیان طرفدار آزادی و حاکمیت ملت و قانون، در داخل و خارج کشور و حتی از شخصیت‌های بین‌المللی علیه دستگیری تقریباً بیست نفر از امضا کنندگان آن نامه بیان شده و تقاضای لغو حکم خلاف قانون دادستان انقلاب اسلامی تهران گردیده است.

نهضت آزادی ایران از این که رئیس قوه قضائیه کشور خواسته است به اظهارات و شکایت قانونی افراد و گروه‌های صاحب حق و صاحب نظر ملت ترتیب اثر دهد - اگر چه به صورت ملایم و زبانی و ضمنی - خوشحالی است، خصوصاً که شیوه برخورد برخلاف رسم معمول بدون اهانت‌های مرسوم و اتهام‌های معمول بوده است.

ایراد جنابعالی این بود که در حالی که به گفته رهبر انقلاب، نظام جمهوری اسلامی ایران الگوی حرکت برای یک میلیارد مردم مسلمان کشته است، انگشت گذاردن روی نقاط ضعف و منفی، باعث

تضعیف نظام و بی‌آبرویی و بی‌اثری آن در خارج خواهد شد و چون به موقعیت اسلام در دنیا لطمه وارد خواهد ساخت، خیانت به تاریخ اسلام محسوب می‌شود. علاوه بر آن اعتراض داشتید که چرا رسانه‌های خارجی نسبت به عمل دولت جمهوری اسلامی ایران تا این اندازه جنجال و جدل بر پا کرده‌اند؟

ما بدون آنکه بخواهیم در ارزیابی صحت و سقم نکات فوق (الگو بودن نظام حاکم ایران برای یک میلیارد مردم مسلمان جهان و محکوم بودن اعتراض و انتقاد نسبت به خرابیها و خطاها) وارد شویم، می‌گوئیم که به گونه‌های دیگری نیز می‌شد مسئله را طرح کرد و جلوی انتقاد و جنجال و یا به قول جنابعالی تضعیف نظام را گرفت.

یکی این که حاکمیت با ابراز حسن نیت و قصد خدمت در تحقق خواسته‌های ملت که اهداف نخستین و راستین انقلاب است و رعایت صادقانه قانون و عدالت، از یکطرف و با اتخاذ شیوه‌های صحیح سیاست و مدیریت، از طرف دیگر محل و مجالی برای انتقاد و اعتراض باقی نمی‌گذاشت. دیگر آن که مبادرت به آن عمل خلاف انسانیت و اصول و بی‌سابقه (یا کم سابقه) در عالم قضاوت و دیانت، یعنی دستگیری موجهین جامعه و فرستندگان نامه تظلم و تقاضا به مقام اول اجرائی مملکت نمی‌کرد تا موج اعتراض و جنجال رسوائی در نزد کافر و مسلمان برانگیخته نشود.

ما جنابعالی را حکم قرار می‌دهیم تا قضاوت فرمائید که وقتی دست اندرکاران کشور در رسانه‌های جمعی انحصاری اعلام می‌کنند که در هیچ جای دنیا آزادی که در ایران وجود دارد، دیده نمی‌شود و بعد به دستور یا موافقت همان مقامات و به سبک پلیسی غافلگیرانه، اقدام به دستگیری جمعی تقاضاکنندگان آزادی و اجرای قانون اساسی می‌شود آیا اثر سوء این حرکت و تکذیب عملی و آشکار ادعای مقامات جمهوری اسلامی به دست خودشان بیشتر به حیثیت و شهرت «نظام الگو» لطمه زده است و می‌زند یا بیان فهرست‌وار چند فقره انتقاد بدیهی و قدیمی اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی که در همه کشورهای متمدن و دموکراتیک متداول می‌باشد؟

با سرپوشی که روی واکنش غیرمنتظره دستگاه حاکمیت در این جریان گذاشته شده است برای برخی از تحلیلگران این سؤال مطرح شده است که نکند رابطه‌ای بین دستگیری آزادیخواهان مخالف

استقراض از خارجیان در غیاب نظارت مردم، با اصرار دولت بر عدم طرح و تصویب رسمی وامها در مجلس وجود داشته باشد.

جناب آقای شیخ محمد یزدی!

جنابعالی در پیش درآمد و در پایان خطبه نماز جمعه به مناسبت تقارن با عید فرخنده غدیر خم فرموده‌اید که اگر خداوند سبحان به پیامبر برگزیده خود دستور ابلاغ ولایت علی (ع) را نداده بود و تاریخ اسلام از خلافت چهار پنج ساله امیرالمومنین علی (ع) محروم شده بود امروز ما دستورالعمل و الگوئی برای حکومت اسلامی نداشتیم. سؤال ما از شما و متولیان نظام این است که آیا هیچ یک از اسناد تاریخی سیره و سنت نشان می‌دهد که حضرت امیر - الگوی حکومت اسلامی - حتی برای یکبار متقاضیان و متظلمان و منتقدان و نامه نگاران به خود را مورد بی‌اعتنائی یا اهانت و اتهام قرار داده و به زندان انداخته باشد؟ حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود، با مخالفان حکومت چگونه رفتار می‌کرد و متولیان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی چه روشی دارند؟ آیا ولی امر مسلم مسلمانان و پیشوای اول شیعیان که عقیده دارید باید از او تبعیت کرد نصیحت و تذکر و انتقاد را عمل خلاف مصلحت و حرام می‌دانست یا برعکس، صریحاً آنطور که در خطبه ۲۰۷ نهج‌البلاغه آمده است. وظیفه مردم را نصیحت و دلالت زمامداران و از جمله خودش می‌دانست؟^۱

اگر علی (ع)، همانطور که می‌دانید در دوران خلافت، به قاضی کوفه اعتراض می‌کند که چرا در دادگاه او را با کنیه‌اش خطاب کرده است و شاکی یهودی را با نام ساده، در نماز جمعه گذشته پای منبرتان نشسته بود حتماً شما را که قاضی القضاة جمهوری اسلامی هستید توبیخ می‌فرمود که چرا متقاضیان اجرای قانون اساسی و متظلمان مظلوم و محروم از دفاع را قبل از رسیدگی و محاکمه اسلامی و قانونی گناهکار تشخیص داده و سرزنش کرده‌اید ولی طرف خطاکار صاحب زور را بالبداهه بی‌تقصیر و مبراء تلقی نموده، مداح و وکیل مدافعش هم شده‌اید!

1- فراز ۱۵- «مبادا در گفتن حرف حق و مشورت به عدل (نسبت به من) امتناع کنید و خود را کنار بکشید چرا که من به نظر خودم بالاتر از آن نیستم که خطا نکنم و نه در کار خویش از خطا ایمن هستم. مگر آنکه خدا مرا کفایت کند که او از من به خودم مالکتر است.»

درست است که قرآن به مسلمانان توصیه می‌کند که در رفتار و کردار خود و برداشت‌هایشان از دین، الگو برای مردم جهان باشند ولی راه الگو شدن را تاسی به رسول خدا می‌داند^۱. بنابراین اگر خلوص نیت و صداقت در ادعای الگو بودن نظام جمهوری اسلامی ایران باشد الگو شدن برای مسلمانان و دنیا تنها با تبعیت از سنت و سیاست پیامبر گرامی اسلام و عترت پاک او^۲، از جمله علی بن ابیطالب تأمین می‌گردد، نه با خفه کردن صدای هموطنان منادی قانون و آزادی و عدالت. دنیا وقتی عدالت و انصاف و انسانیت از یک نظام ببیند بدون نیاز به تبلیغ و تحمیل، جنجال تبعیت و تحسین به راه خواهد انداخت. اما اگر که روش و رفتار نظام الگو دهنده، اسوه و الگو گرفتن از رسول خدا و علی مرتضی نباشد و متولیان نظام به شیوه‌های شیطانی و ضد انسانی، بر طبق دلخواه و مصلحت اندیشیهای خودشان عمل کنند چه بهتر که مسلمانان جهان از آن نظام درس و دستور نگرفته، گمراه و تباه نشوند! و نخواهند شد.

جناب آقای شیخ محمد یزدی

فرصت خوبی برای جنابعالی که در رأس قوه قضائیه هستید و قضات را به قانونگرایی و استقلال توصیه می‌فرمائید پیش آمده است. اگر از روی استقلال و انصاف و عدالت دستور دهید که اولاً حکم خلاف قانون اساسی و قانون احزاب دادستان انقلاب اسلامی تهران، دائر بر غیرقانونی بودن و ممنوع از فعالیت شدن جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران ملغی اعلام شود. ثانیاً فرمان آزادی دستگیر شدگان بناحق و عذرخواهی از آنان صادر گردد^۳، هم آبرو و حیثیت برای نظام جمهوری اسلامی ایران خریدارید، هم تاسی به رسول خدا و ولی خدا کرده‌اید و هم نظام جمهوری اسلامی را الگو و سرمشق نیکو برای حکومت‌های دیگر دنیا، اعم از مسلمان و غیرمسلمان قرار داده‌اید.

اگر آقایان نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به رسول اکرم (ص) و به آن که پیامبر گرانقدر دربارهاش فرموده است «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» تاسی کنند اقلاً عبرت و الگو از رهبر شجاع و واقعیت‌گرای روسیه شوروی بگیرند که با مردانگی و مصلحت اندیشی، اعتراف به بیراهه بودن برنامه‌های هفتاد ساله

1- «

1- « (بقره - ۱۴۳) »

2- حکم حدیث معتبر «ثقلین».

3- و اگر اتهام مستندی وجود دارد سریعاً در یک دادگاه علنی دادگستری بر طبق موازین قانونی و با حضور هیئت منصفه محاکمه شوند.

نظام حاکم کرد و گام صادقانه‌ای در راه آزادی و آزادی ملت‌های تحت ولایت روسیه برداشت و با این کار در دنیای وحشت و تخاصم تخم صلح و دوستی و همکاری کاشته، خدمت عظیم به بشریت قرن بیستم کرد!

.

تهران - ۲۸ تیرماه ۱۳۶۹

نهضت آزادی ایران